



بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام و نوگرایی غربی (مدرنیسم!)

مطالب زیر برای مناظره ای که بالاخره صورت نگرفت! در نظر گرفته شده بودند ، و با توجه به اینکه میتوانند روشنگر و مفید باشند ، منتشر میشوند .

اعتراض :

اسلام و نوگرایی در این مناظره در مقابل هم قرار داده شده اند!! آیا طرف مقابل ما طرفدار نوگرایی است یا طرفدار فرهنگ و تمدن غربی؟!

ضرورت تعریف اصطلاحات :

* هر اصطلاح و کلمه ای باید تعریف و محدوده کار برد آن باید مشخص شود :

* منظور از اسلام چیست؟ آیا منظور از اسلام نگرش و مواضع توحیدی قرآن و محمد است (که در سایه اجتهاد در زمان و مکان، فهم و اجراء میشود و برپاکننده آزادی و عدالت و انسانیت است) ، یا منظور از اسلام شرک و استبداد و مادیت است (که نتیجه مطلق و خرافه آمیز شدن درک و فهم بشری و محدود در زمان و مکان است و مایه رکود و انحطاط در زمانها و مکانهای دیگر میشود) ، همان چیزی که ارباب متفرقه شرک و استبداد و جاهلیت حافظان و عرضه کننده آن هستند!!

منظور از نوگرایی و محتوای آن چیست؟

* منظور از نوگرایی و عصری بودن و تجدد (و به قول شما مدرنیته) چیست؟ اگر منظور از آن مادیت غربیست ، معلوم است که اسلام و مادیت در مقابل هم

قرار دارند، و اگر منظور از آن، عصری و نوخواهی و امروزین فکر کردن و زیستن است، در آن صورت، معلوم نیست که چه چیزی امروزین است و چه چیزی دیروزین!!، و مظاهر غربی که به امروزین مشهور شده اند، در عمق تاریخ قرار دارند، و وجود و رواج آنها به ما قبل تمدن و مدنیت بشری بر میگردد!

* و اگر منظور از نوگرایی، زندگی پرطراوت و شاداب و زیبا است، اسلام عین آن را میخواهد!، اصلا اسلام برای محو شرک و استبداد و مادیت آمده است (که این خود بیانگر قدمت شرک و استبداد و مادیت است)، و حال که این اضداد بشری زائل نشده اند و سلطه آنها ادامه دارد، باز هدف اسلام و مسلمین آزادیخواه، زوال آنهاست. شرک، ولایت و حاکمیت مطلقه، خرافات و امور غیر معقول، قیودات جاهلی و که زیر مجموعه بت پرستی هستند، باید محو و از سر راه رشد و تکامل بشری کنار زده شوند، و اینها قبل از هر چیز موانع اصلی توحید و اسلامیت هستند.

قدمت و کهنگی اکثر مظاهر نوگرایی غربی

بسیاری از مظاهر مدرنیته غربی خیلی کهنه اند، و اشغالگری، غارت گری، لختی گری، همجنس بازی، شرابخواری، رباخواری، نسل کشی، مادیت، نفی معنویت، تنازع بقاء، حيله گری و نمونه های این مظاهر و مصادیق هستند. اگر تغییراتی در این مظاهر در غرب معاصر روی داده، بیشتر در شکل و در نحوه بکارگیری آنهاست، ولی محتوایشان در عمق تاریخ قرار دارد. بگذریم از اینکه اصلا فکر و فرهنگ و انسانشناسی و روانشناسی غربی، ذات بشری را عقده ای و شرور و اصلاح ناپذیر تلقی میکنند!، بسیار عجیب و بیشرمانه است که چنین نگرش و شناختی مدعی انسانیت و حقوق انسانها شود؟!، اما فکر و فرهنگ غربی با عرضه و روش کردن « ماکیاولیت »، بیشرمی و بی اصولی را عین زرنگی و هوشیاری و واقع بینی تعریف کرده است!، روشی که در آن، حيله گری و دروغگویی اصل و رسیدن به هدف، هر وسیله ای را توجیه میکنند!، و بر این روش چیزی بنام انسانیت و اصول و فروع آن باقی نمی ماند.

ادبیات قرآن و مسئله کهنه و نو

- * **حی** (نو ، زنده ، شکوفا) درمقابل **مردگی** (کهنگی ، پوسیدگی ، بیخاصیتی) :
یا ایهاالذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم . یحییکم :
جریان نوسازی ، و زنده کردن ، جهت بیرون آمدن مؤمنین از مردگی و پوسیدگی !
- * **نور** (روشنایی ، درخشش ، شفافیت ، علم) در مقابل **ظلمت** (تاریکی ، جهل ، خطر) : **الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور .**
- * **صلاح** (لیاقت ، شایستگی ، آبادانی) در مقابل **فساد** (از کار افتادگی ، خرابی ، پوسیدگی) : **ان ارید الا الاصلاح ، و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها .** ومصلحین در مقابل مفسدین هستند ، و بر عکس .
- * **حلال** (جایز و بجا و مایه سلامت و رشد) در مقابل **حرام** (غیر مجاز ، مضر و بیجا ، مایه رنج و مصیبت) ، که بیشتر در رابطه با عملکرد انسانها و جوامع مطرح میشود : **یحل لکم الطیبات و یحرم لکم الخبائث ،** که مجاز و غیر مجاز را تعیین و در این رابطه مرزبندی می نماید .
- * و از همه روشنتر ، **حق و باطل است :** حق ، ماندنی و لایق بقاء ، و باطل رفتنی و مستحق نابودی و زوال است ، و این مد نظر اسلام و قرآن است ، نه کهنه و نو بودن زمانی ! ، **و قل جاء الحق و زهق الباطل ، ان الباطل کان زهوقا .** حق ماندنی و باطل رفتنی است ، چون حق مایه استمرار و شکوفایی حیات بشری و باطل عامل تخریب حیات است : **و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض .** در نگرش توحیدی **ملاک و معیار** حق و نفع مردم است نه زمان ! ، آنچه در زمین مکث میکند و ماندگار میشود ، دارای **نفع و استحقاق** است .
- * یا تقسیم امور و حوادث زندگی به **خوب و بد** (حسنة و سیئة) : **و لا تستوی الحسنه و لا السیئة .** این تقسیم بندی در آیات قرآن و در ابعاد مختلف فکری و فرهنگی و عملی وجود دارد .
- * و بالاخره قرآن منیر امور و حوادث را تحت عنوان **نافع و مضر** (خیر و شر)

به بشریت معرفی میکند: **او ینفعونکم او یضرون**. و قرآنی که علم الله و کتاب هدایت است، نزدیکی به امور و حوادث نافع و مفید را که نتیجه اش به حال بشر مثبت است مورد تایید و تاکید قرار می دهد، و از آنچه مضر و شر آفرین است نهی میکند، و حتی در رابطه با نزدیکی از آنها و اختلاط با آنها هشدار میدهد. البته در بسیاری از آیات قرآن، در مقابل نفع و منافع، اصطلاح **اثم** (مضر، گناه) آمده است، مثل: **یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیہما اثم کبیر و منافع للناس**. و اینطور ماهیت قمار و خمر را به بشریت معرفی میکند. همچنین در مقابل نفع و منافع اصطلاح **بأس** (شدت، سختی) هم آمده است، مثل: **و انزلنا الحديد فیہ باس شدید و منافع للناس**، که در وصف آهن میباشد.

* اصلا در اندیشه توحیدی و ادبیات قرآنی، **کهنه** به معنای بی خاصیتی و فاسد شدگی، و **جدید** بمعنای حی و مفید و راهگشا مطرح است، و در این باره **محتوا** و **ماهیت** مد نظر است، و قدمت و تأخر زمانی کمتر مطرح میباشد. قدیم و جدید بودن، بیشتر در میدان جسم و شکل و ظاهر معنا پیدا میکند. و قرآن مواضع خود را در رابطه با امور و پدیده های مختلف، با **ادبیات خودش** بیان میکند، اما غرب زدگان انتظار دارند که قرآن با **ادبیات غربی!** و **اصطلاحات سیاسی غربی!** موضعگیری نماید!

مناظره بین پیروان اسلام و پیروان نوگرایی!!؟

منظور و مفهومی که از اصطلاح مدرنیته (نوگرایی) مستفاد میشود، همان افکار و فرهنگ و رسوم غربی و مظاهر تمدن آنست، بگذریم از اینکه فکر و فرهنگ (و مظاهر غربی) که مبنی بر **مادیت** و **تنازع بقاء** و **ماکیاولیت** و ایستاده بر **اقتصاد سلطه و غارت** و **جنسیت انحرافی** است، هرگز جدید و عصری و امروزی نیست، و اصلا بدویت، **روح فرهنگ و تمدن غرب** است، اما فن و کشفیات صنعتی تا **حدی** آنرا پوشانده و اذهان بعضی را **مشوش** کرده است.

* ماهیت مدرنیته و صدق سخنان ما را میتوان از طریق نقادان غربی مدرنیته هم شناخت. با نگاهی به این نقدها و ارائه اندیشه های پسا مدرنی و پست مدرنی به دو نکته اساسی بر می خوریم:

اولا معلوم میشود که منظور از نوگرایی، فرهنگ و تمدن غرب است که در چند

قرن اخیر شایع شده ، نه نوگرایی به معنای عام . چون اگر ما پسامدرنیسم و پُست مدرنیسم را به معنای « بعد از نوگرایی و آخر نوگرایی » ترجمه کنیم گمراه کننده و بیمعنا خواهند شد ، و درعین حال حکم به توقف و رکود خواهیم داد . و بدیهی است که مقصود صاحبان اندیشهٔ پسامدرنیسم و پست مدرنیسم ، اندیشه ها و فرهنگ و تمدن این چند قرنهٔ حاکم بر غرب است .

نکتهٔ دوم در رابطه با ماهیت این نقدهاست که قدرت پرستی غرب در محور این نقد ها قرار دارد ، همان قدرت سیاسی که موجب شده بشریت بصورت ابزار حکومتها و نظامهای سیاسی در آید . و آنها میخواهند بگویند که حکومتها و نظامهای سیاسی و قوانینشان خدای زور گوی بشریت شده اند . و این نقدها پایه های فرهنگ و تمدن قدرت پرستانهٔ کنونی غرب را که منتهی به بردگی و اسارت بشریت شده است ، متهم و زیر سؤال برده اند .

اصول فکری و فرهنگی غربی

* **مادیت** ، که نفی انسانیت و ارزشهای خدایی و انکار معنویت را به دنبال دارد ، و انسان را به حیوان اقتصادی و جنسی و ابزار ساز و ... مبدل میکند .

* **تنازع بقاء** ، که نتایج آن قدرت پرستی و ایجاد انگیزه برای جنگ و غارت و استعمار و اشغالگری و نسل کشی و نابودی دیگران است .

* **ماکیاولیت** ، که در میدان قدرت پرستی و غارتگری و اشغالگری ظاهر شده و بدین نتیجه رسیده که در راه رسیدن به هدف و تسلط باید حيله گری و حقه بازی کرد ، و اینجاست که استعمار به **امپریالیسم مبدل** میشود و **استبداد دست نشانده** بوجود میآید ، و مثلاً به کشورهای مختلف **استقلال!** داده میشود و مستعمره ها کشورهای **مشترک المنافع!** می گردند ، و استعمار صهیونی **تنها دمکراسی خاورمیانه!** میشود ، و همان آمریکایی که بمبهای هسته ای بر کودکان و زنان ژاپنی فرو می ریزد ، سالانه **گزارش حقوق بشر!** تهیه میکند و در آمریکا هم با وجود ۳۰ میلیون سیاه پوست ، اگر سیاه پوستی مثلاً شهردار گردید به عنوان **معجزه ای که روی داده!** در امپریالیسم خبری منعکس میشود .

ما حصل منفی نوگرایی غربی

ما حصل منفی نوگرایی غربی : ۱- استعمار ، ۲- امپریالیسم ، ۳- جنگهای جهانی ، ۴- تسلیحات کشتار جمعی و ویران گر ، ۵- استبداد دست نشانده ، ۶- نسل کشی ، ۷- مزره‌های ارضی استعماری در سراسر جهان ، که عامل اصلی جنگ و خونریزی یک قرن گذشته است ، ۸- رواج نژاد پرستی و برتری نژادی و قومگرایی ، ۹- غارت منابع روی زمینی و زیر زمینی جهان ، از طریق وسایل صنعتی ، که توان غارت و چپاول دول غربی را بی سابقه کرده اند ، ۱۰- آلودگی محیط زیست (در زمین و هوا و دریا) و تهدید کره زمین بوسیله جنگ و سلاح مدرن! و خطرات ناشی از جنگ هسته‌ای ، ۱۱- راه اندازی شبکه‌های امپریالیسم خبری و امواج کذابیت و دروغ‌گویی و رواج فرهنگ دروغ و خیانت و فساد . ۱۲- ظهور اقتصادهای وابسته و متکی به صدور مواد خام به غرب ، ۱۳- تحمیل و تلقین الگوهای مصرف در جهان و ترویج فرهنگ مصرف و ابتذال ، ۱۴- اشاعه لختی‌گری و شرابخواری در جهان ، ۱۵- گسترش بی سابقه فحشاء و تن فروشی .

معیار کهنه و نو در دین اسلام

در مکتب توحیدی اسلام ، کهنه و نو از نظر زمانی کمتر مطرح است . در اسلام کهنه و نو ، در هر چیزی مربوط به لیاقت و عدم لیاقت ، ضرورت و عدم ضرورت ، خوبی و بدی آنهاست . و استمرار و عدم استمرار و بقاء و فنای اشیاء و امور باید ناشی از صفات و کار برد و نتایج آنها باشد نه زمان واقع شدن آنها . ممکن است یک نظریه و چیز جدید خیلی بجا و مفید و نیز ممکن است خیلی بد و فاسد باشد . در مورد مسائل و امور گذشته نیز وضع بهمین صورت است ، و این اصل در رابطه با آنها نیز صدق میکند .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۱۶ ربیع الثانی ۱۴۲۵ - ۱۵ خرداد ۱۳۸۳

www.samaa.org

نشانی شبکه سماء

samaa@samaa.org

ایمیل سماء